

## راهبردهای توسعه روستایی در جهان سوم

کرامت‌الله زیاری

دانشیار گروه جغرافیای دانشگاه یزد

(ziari@yazduni.ac.ir)

### چکیده

این مقاله راهبردهای توسعه روستایی را در جهان سوم مورد بررسی قرار می‌دهد. روش پژوهش «توصیفی - تحلیلی» است. منظور از توسعه روستایی، راهبردی همه جانبه است که برای بهبود زندگی اقتصادی - اجتماعی روستاییان انجام می‌گیرد. توسعه روستایی صرفاً با مسایل کشاورزی در ارتباط نیست، بلکه جنبه‌های گوناگون زمین، جامعه و اقتصاد روستایی را دربرمی‌گیرد. انواع راهبردهای توسعه روستایی شامل راهبرد فن سالارانه یا تکنوکراتیک، اصلاح طلبانه، رادیکال و نظام مبتنی بر بازار آزاد می‌شود. مهمترین عوامل مؤثر بر توسعه روستایی سیاستهای ارضی، تکنولوژیکی، اشتغال، آموزشی، تحقیقاتی و ترویجی، ایجاد مؤسسات روستایی، صنعتی کردن روستا، قیمت‌گذاری، حلقه ارتباطی با دیگر بخشهای اقتصادی حمایت‌کننده و توسعه هماهنگ است.

بی‌تردید، هرگونه برنامه‌ریزی توسعه روستایی باید با توجه به راهبردهای مذکور، متناسب با شرایط طبیعی اقتصادی و فرهنگی کشورهای مورد نظر صورت پذیرد.

کلید واژه‌ها: توسعه روستایی، راهبردها، جهان سوم.

### مقدمه

توسعه روستایی دیگر صرفاً به معنای توسعه کشاورزی نیست؛ همچنین بخشی از رفاه اجتماعی نیست که با تأمین مالی مناطق روستایی و رفع نیازهای اولیه و اساسی



انسان مرتفع گردد؛ بلکه طیف وسیعی از فعالیت‌های گوناگون انسانی را شامل می‌گردد که مردم را به استقلال فکری و عملی و از میان برداشتن ناتوانی‌های ساختاری قادر می‌سازد. ناتوانی‌هایی که آنها را در اسارت شرایط نامساعد زندگی نگهداشته است. به این ترتیب، منظور و هدف توسعه روستایی بسیار گسترده است. بررسی اهداف و راهبردهای این توسعه، موضوع این مقاله است.

## راهبردهای توسعه روستایی

### ضرورت توسعه روستایی

بر اساس چهار دلیل عمده زیر توسعه روستایی ضروری است:

۱- در حدود  $\frac{۲}{۳}$  از جمعیت کشورهای در حال توسعه، در نواحی روستایی زندگی می‌کنند. در کشورهای فقیر، نسبت افراد ساکن در روستا بیشتر است. میزان رشد این جمعیت در سالهای اخیر افزایش یافته است.

تعداد فقرا در نواحی روستایی کشورهای در حال توسعه به طور متفاوت از ۷۵۰ میلیون تا یک میلیارد نفر برآورد شده است. این تعداد تقریباً ۳۳ تا ۵۰ درصد از جمعیت روستایی کشورهای در حال توسعه را تشکیل می‌دهند.<sup>(۱)</sup>

۲- رشد سریع جمعیت از دو دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ باعث ایجاد مشکلات جدی اجتماعی و اقتصادی شده بود که عواقب آن در افزایش بیکاری و اشتغال ناقص ملاحظه می‌شود. این مسأله در شرایط کمبود زمین و منابع یعنی هنگامی که تعداد «خوش‌نشینان» دارای اشتغال ناقص رو به افزایش می‌رود، مشخص‌تر است.

۳- علی‌رغم افزایش اساسی و مؤثر در رشد محصولات کشاورزی و غذایی در مناطقی از کشورهای در حال توسعه، وضع بد خوش‌نشینان و کشاورزان خرده پا بهبود چندانی نیافته است.

۴- عملکرد چینی‌ها، در زمینه از بین بردن فقر و بیکاری از طریق سیستم «کمون‌ها»، توجه سیاست‌گذاران را در گوشه و کنار جهان به خود جلب کرده است.<sup>(۲)</sup>

## مفهوم و اهداف توسعه روستایی

بانک جهانی، توسعه روستایی را چنین تعریف می‌کند:



توسعه روستایی، نوعی استراتژی است که برای بهبود زندگی اقتصادی - اجتماعی گروه مشخصی از مردم، یعنی روستاییان فقیر، طراحی می شود. این استراتژی در پی گسترش دادن منافع توسعه در بین فقیرترین افرادی که در نواحی روستایی به دنبال امرار معاش هستند انجام می پذیرد. از نظر بانک جهانی، فقرای روستایی شامل کشاورزان خرده پا، اجاره نشین ها و خوش نشین ها می شود.<sup>(۳)</sup>

مسئله مهم در توسعه روستایی، توسعه همه جانبه است. اهداف برنامه ریزی در بعضی و یا همه صفات مرتبط با هم که در ذیل می آید، پیشنهاد می گردد:

۱- به منظور بهبود معیارهای زندگی و یا بهزیستی توده مردم و نیازهای اساسی آنها، همچون غذا، مسکن، پوشاک و اشتغال.

۲- بالا بردن میزان بهره دهی مناطق روستایی و کاستن از آسیب پذیری در قبال خطرات طبیعی، فقر و استثمار در این مناطق و برخوردار ساختن این مناطق از یک رابطه منفعت آمیز متقابل با بخشهای دیگر اقتصاد منطقه ای، ملی و بین المللی.

۳- توجه به توسعه خودگردان.<sup>(۴)</sup>

۴- توجه به عدم تمرکز اداری.

منظور از کلمه «همه جانبه» به عنوان پسوندی برای توسعه روستایی یک جهش چند منظوره در برنامه ریزی روستایی است. در حقیقت، توسعه روستایی صرفاً با مسایل کشاورزی در ارتباط نیست؛ بلکه با همه جوانب زمین، جامعه و اقتصاد روستایی مرتبط است. توسعه باید از لحاظ ثوریک، متوازن باشد و ماهیت به هم پیوسته و تقویت کننده بخشهای فرعی مختلف نظام روستایی، تنظیم خط مشی و برنامه ریزی توسعه ملی را ایجاب نماید. راتان منظور از توسعه همه جانبه را نوعی ایدئولوژی می داند که در جستجوی یک روش یا یک فن است.<sup>(۵)</sup>

مهاتماگاندی و مائوتسه تونگ هر دو، نسبت به توسعه روستایی دیدگاه مشترکی داشتند، هر دو با توجه به مساله فقر در کشورشان، به خصوص در روستاها، بر خوداتکایی، خودبستگی زیاد روستا و عدم تمرکز اداری را (به دلیل شرایط جغرافیایی و فرهنگی مناطق) تأکید داشتند. هر دو رهبر، روستا را به عنوان اقتصادهای بسته در نظر نمی گرفتند. هر دو معتقد به خدمات عام المنفعه و پخش کالاهای سرمایه سنگین و



مالکیت اجتماعی ابزار تولید بودند. اما در نگرش آن دو، دیدگاه متفاوت سیاسی وجود داشت. از نظر گاندی، صنایع مکانیزه یک آفت اجتناب‌ناپذیر به شمار می‌رفت. مائو کشاورزی را مکمل صنایع تولید کالاهای مصرفی سنگین می‌دانست و در ضمن، وی کشاورزی را امری بنیادی می‌شمرد.

### سوابق تاریخی توسعه

استراتژی توسعه بعد از جنگ جهانی دوم بر مبنای صنعتی کردن و تقلید از تجربه تاریخی توسعه اقتصادی غرب بود؛ از این رو، توسعه‌ای که به نواحی روستایی راه یافت با محورهای زیر بود:

۱- اسکان مهاجران در اراضی، که اساساً از آن برای مقاصد سیاسی، همچون مقابله با شورشیان مخالف استفاده می‌شد و عموماً پرهزینه بود و تنها بخش کوچکی از مهاجران از آن سود می‌بردند.

۲- اجرای طرح‌های بهبودبخشی همچون پروژه‌های تنظیم خانواده، راه‌های کامیون‌رو (به منظور نقل و انتقال تولیدات و مهاجران) در بخش کشاورزی، تأکید بر تکنولوژی بالا (اقدام پربازده)، خدمات ترویجی برای محصولات نقدی (بخصوص محصولات صادراتی)، طرح‌های اعتباری، تسهیلات بازاریابی برای محصولات صادراتی.

۳- پروژه‌های بزرگ سرمایه‌بر:

این استراتژی‌ها فقط تعداد اندکی از مردم را بهره‌مند می‌ساخت و چندان موفقیت‌آمیز نبود. همچنین آثار زیانباری بر محیط زیست داشت؛ در ایالات پنجاب هند، کره جنوبی و تایوان، موفقیت‌هایی حاصل شد؛ اما از لحاظ اجتماعی، این استراتژی‌ها نامناسب بودند. زیربنای عمده این استراتژی‌ها توسعه غربی یا روسی بود که به طور عمده در پی ایجاد یک جامعه مصرفی بودند و بر سرمایه و کمک‌های صنعتی نیز تکیه داشتند. این استراتژی‌ها بر مناطق و شهرهای ممتاز یا قطب‌های رشد تأکید داشت و از طریق طرح‌های تحت حمایت دولتها انجام می‌شد و در شهرهایی که کانون مرکزی قدرت سیاسی، ثروت و توسعه صنعتی بودند به صورت طرح در می‌آمد. (۶)



### انواع راهبردهای توسعه روستایی

هر راهبرد توسعه روستایی، به طور ضمنی یا آشکار، دارای یک جهت‌گیری قوی ایدئولوژیکی است. در جدول زیر، انواع راهبرد با اهداف، ایدئولوژی و نمونه کشورها ذکر شده است.

جدول شماره ۱- انواع راهبردهای توسعه روستایی

کشورهای نمونه	ایدئولوژی	وضع مالکیت اراضی	بهره‌مندشدگان اصلی	اهداف عمده سیاستگذاران	استراتژی‌های توسعه روستایی
فیلیپین و برزیل	سرمایه‌ای	مالکیت بزرگ، خصوصی، شرکت‌های زراعی، نظام‌های مختلف اجاره‌داری که در کنار مزارع بزرگ که شکل مسلط را در نظام اجاره‌داری دارند.	مالکین بزرگ	افزایش تولید	افزایش تولید (تکنوکراتیک)
مصر، مکزیک، گینه نو، تانزانیا، مالزی، سری لانکا	ملی‌گرا	مزارع خانوادگی، تعاونی‌ها و طرح‌های آماده‌سازی اراضی	دهقانان متوسط کشاورزان مترقی و گروه‌های قومی خاص	توزیع مجدد درآمد و ثروت افزایش تولید	۲- اصلاح طلبانه
چین، کوبا، الجزایر، ویتنام	سوسیالیسم	مالکیت جمعی، کمون‌ها و مزارع دولتی	دهقانان خرده‌پا، خوش‌نشین‌ها (کارگران بدون زمین)	دگرگونی اجتماعی، توزیع مجدد قدرت سیاسی، ثروت و محصول	۳- رادیکال
اندونزی، بنگلادش، کره جنوبی	سرمایه‌داری	مزارع بزرگ، تحت اداره مالک	کشاورزان عمده، زیر بخش‌های صاحب سرمایه در نواحی روستایی	افزایش تولید و ایجاد مازاد قابل سرمایه‌گذاری برای توسعه	۴- مبتنی بر بازار آزاد



باید یادآور شد که کشورها نمی‌توانند آزادانه، سیاستها و خط‌مشی‌هایی را که به اصطلاح، در کشوری موفق بوده‌اند، تقلید نمایند و در سرزمین خود به کار برند. اهداف، برنامه‌ها و سیاست‌های هر نظامی باید با شرایط داخلی آن کشور هماهنگ و متجانس باشد. از این رو، به نظر می‌رسد که الگوبرداری از تجربیات سایر ملتها که دارای اهداف و سیاستهای متفاوت هستند دشوار است. البته این امر بدان معنی نیست که هیچ کشوری نمی‌تواند از سیاست‌های توسعه کشورهای دیگر اقتباس کند؛ بلکه بدان معنی است که اقتباس سیاست‌های توسعه زمانی با موفقیت همراه است که این سیاست، حداقل، از کشوری که دارای ویژگی‌های مشابه است گرفته شود.

### عوامل مؤثر بر توسعه روستایی

این عوامل را به ترتیب زیر می‌توان برشمرد:

- سیاست ارضی
- سیاست تکنولوژیکی
- سیاست اشتغال
- سیاست‌های آموزشی، تحقیقاتی و ترویجی
- سیاست مؤسسات روستایی
- سیاست صنعتی کردن روستا
- سیاست قیمت‌گذاری
- سیاست حلقه‌ای ارتباط با دیگر بخشهای اقتصادی
- سیاست حمایتی
- سیاست‌های توجه به توسعه هماهنگ.<sup>(۷)</sup>

### سیاست ارضی

توسعه کشاورزی و روستایی که منافع توده‌های مردم را تأمین می‌کند تنها از طریق کوشش مشترک دولت و کلیه کشاورزان حاصل می‌شود. زارعین باید به زمین خود وابستگی پیدا کنند، در حقیقت، ساخت نابرابر مالکیت زمین مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده



توزیع کاملاً نابرابر درآمد و ثروت در مناطق روستایی است. وقتی توزیع زمین نابرابر باشد دهقانان امید کمی به پیشرفت اقتصادی دارند. اصلاحات اراضی، توزیع مجدد حقوق مالکیت و یا حق استفاده از زمین مالکین بزرگ به نفع کشاورزانی است که یا فاقد زمین هستند و یا زمین بسیار کمی دارند. البته این توزیع مجدد زمین می‌تواند اشکال مختلف داشته باشد<sup>(۸)</sup>؛ از جمله:

انتقال مالکیت زمین به اجاره‌دارانی که قبلاً روی زمین کار می‌کرده‌اند (کوبا، اتیوپی، ژاپن و تایوان)؛

انتقال زمین مالکین بزرگ به زارعان کوچک (مکزیک)؛

اختصاص زمینهای بزرگ به سکنه جدید (کنیا)؛

اختصاص زمینهای بزرگ دولتی یا خصوصی به تعاونی‌های زراعی (چین و تایوان).

### سیاست تکنولوژیکی

مشارکت صنعتی در امر توسعه روستایی مشارکتی چند جانبه است که هدف اولیه آن افزایش تولید و بهره‌وری روستایی و ایجاد اشتغال است. در انتخاب تکنولوژی، باید به پیشرفت کشاورزی از طریق تولید و تأمین نهادهای افزایش دهنده تولیدات کشاورزی - بویژه نهادهایی که برای مزارع کوچک و حاشیه‌ای مناسب هستند - توجه کرد. سؤال اصلی اینجاست که آیا «تکنولوژی سرمایه‌بر» مناسب توسعه روستایی در جهان سوم است یا «تکنولوژی کاربر» که در این دو مورد، نظریه‌های گوناگونی مطرح است:

۱- بعضی معتقدند کشورهای در حال توسعه آخرین نوع تکنولوژی را باید از کشورهای توسعه یافته وارد کنند.

۲- گروه دوم معتقدند که نوع تکنولوژی‌ها باید منطبق با مهارت‌های انسان باشد و کشورهای در حال توسعه باید از آن دو تکنولوژی بهره‌جویند که با جمعیت غیرماهر، بی‌سواد و فقرزده آنها سازگار باشد.

۳- گروه سوم خواهان آنند که کشورهای در حال توسعه، دانش‌های لازمه پیشرفت علمی و فنی را به دست آورند و نه پیشرفته‌ترین ماشین‌ها را. این گروه معتقدند که با استفاده از دانش یاد شده، کشورهای در حال توسعه قادر خواهند بود ماشین‌های



مناسب مهارت و نیازهای خود را فراهم کنند.

در هر حال، کشورهای در حال توسعه برای بقای خود به عنوان دولت‌های ملی باید نوترین دانش فنی را برای بهره‌برداری از منابع نهایی با توجه به شرایط جامعه خود، پروژه‌های کوچک و بزرگ، شرایط منطقه و نیازهای خویش به کارگیرند.<sup>(۹)</sup> البته به تکنولوژی کاربر برای کنترل مهاجرت‌ها باید توجه عمیق داشت. ضرورت توجه به صنایع روستایی جهت جذب جمعیت نیز لازم است.<sup>(۱۰)</sup>

### سیاست اشتغال

زمینه‌های اشتغال را می‌توان از طریق ایجاد صنایع مکمل کشاورزی و بنگاه‌های صنعتی کوچک و انتخاب نوع تکنولوژی کاربر ایجاد کرد. همچنین می‌توان با انتخاب مدل کشاورزی کاربر، کشاورزان فقیر و کارگران روستایی مبتلا به بیکاری شدید و یا اشتغال ناقص را به کار گرفت. انواع تولیداتی که با برنامه‌های صنعتی کردن مناطق روستایی مناسب دارند چنین‌اند: تولید نهاده‌های کشاورزی، فرآورده‌های محصولات کشاورزی، فرآوری مواد معدنی و طبیعی، تولید مصالح ساختمانی، تولید کالاهای مصرفی، صنایع دستی سنتی، تأمین وسایل و تعمیر و نگهداری.<sup>(۱۱)</sup>



### سیاست آموزشی و تحقیقاتی

اعمال این سیاست از طریق آموزش غیررسمی، به وسیله سایر روش‌ها و فنون توسط افراد در گروه‌ها صورت می‌گیرد. گاهی یک مدرسه عالی یا دانشگاه مجری سیاست آموزشی و تحقیقاتی است.<sup>(۱۲)</sup>

### سیاست مؤسسات روستایی

یک برنامه توسعه روستایی مستلزم وحدت عمل در بین وزارتخانه‌ها، ادارات و سازمان‌هاست؛ به طوری که در سازمان عمودی که ویژگی اغلب دولت‌هاست، ارتباط افقی ایجاد می‌کند. به طور کلی، ضروری است که به محض شروع برنامه توسعه روستایی، به منظور به کار و داشتن آنها با حداکثر سرعت، ساختارهای سازمانی مورد نیاز را برقرار نماید.<sup>(۱۳)</sup>



### سیاست قیمت‌گذاری

در قیمت‌گذاری کالاهای اساسی، باید به جنبه‌های مختلف هزینه‌ها - از جمله افزایش هزینه‌های عوامل تولید بویژه دستمزد نیروی کار، هزینه دستمزد و اعضای خانوار شاغل در بخش کشاورزی، هزینه مدیریت، اجاره زمین و سایر عوامل تولید - توجه نمود. در این مورد، می‌توان امیدوار بود قیمت‌های تعیین شده بتواند با حفظ قدرت خرید کشاورزان، جنبه‌های حمایتی آن را نیز عملاً آشکار سازد. همزمان با آن، باید سیاست‌های حمایتی قوی به منظور حفظ قدرت خرید و رفاه نسبی تولیدکنندگان و تضمین تداوم تولید این گونه کالاها به اجرا درآید. البته در مورد محصولات رقابتی، قیمت‌گذاری و نظارت بر آن ضرورتی ندارد. (۱۴)

### حلقه‌های ارتباطی با دیگر بخشهای اقتصادی

از آنجا که توسعه روستایی، مفهومی چند جانبه دارد؛ طرح‌ها و برنامه‌هایی که برای چنین توسعه‌ای تنظیم می‌شود باید مفصل و در سطح روستایی و یا منطقه‌ای گسترده باشد. ارتباط آنها با بخش‌های دیگر اقتصادی و برنامه‌های توسعه ملی عاملی تعیین‌کننده و مهم در موفقیت چنین برنامه‌هایی است.

برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی یک فرآیند بلندمدت و پیش‌رونده با اهداف، برنامه‌های بلندمدت و برنامه‌های خاص کوتاه مدت است که باید با یکدیگر هماهنگ باشند. مشارکت روستاییان محلی در این فرآیند ضرورت دارد. چنین فرایندی در صورتی عملی است که از بالا و پایین برای موفقیت آن فشار وارد آید. داشتن رهبری سیاسی می‌تواند چنین فشاری را از بالا ایجاد کند و شکل‌های دهقانان بومی روستا و کارگران روستایی نیز می‌توانند چنین فشاری را از پایین وارد کنند.

در اینجا، نقش دولت در تنظیم و اجرای این طرح‌ها و برنامه‌ها بسیار مهم است. در زمینه برنامه‌ریزی و طرح، باید امکان دسترسی به آمار پایه و صحیح در زمینه متغیرهای مربوط به هر تصمیم‌گیری در سطح منطقه‌ای، روستایی و محلی فراهم باشد. چنین اطلاعاتی در سطح محلی - منطقه‌ای مستلزم تجدید سازمان اداری نیز هست.



### سیاست‌های حمایتی

همزمان با اصلاحات ارضی، باید تغییراتی در نهادهای روستایی نیز صورت گیرد. اینگونه تغییرات شامل کنترل تولید (بانکها، وام‌دهندگان پول، توزیع‌کنندگان بذر و کود)، خدمات حمایتی دولت (خدمات توسعه فنی و آموزشی، سازمان‌های اعتباری دولتی، تسهیلات انبارداری و بازاریابی، حمل و نقل روستایی و جاده‌های فرعی) و سیاستهای قیمت‌گذاری دولتی با توجه به عوامل تولید و محصول می‌شود.

### توجه به توسعه هماهنگ

توسعه روستایی که در عین حال، عمدتاً منوط به پیشرفت کشاورزی زارعان کوچک است از این حد بسیار فراتر می‌رود و موارد زیر را در برمی‌گیرد:

(الف) بهبود سطح زندگی از جمله بهبود درآمد، اشتغال، بهداشت، تغذیه، مسکن و رشته متنوعی از خدمات اجتماعی مربوط به آنها.

(ب) کاهش نابرابری در زمینه توزیع درآمدهای روستایی و کاهش عدم تعادل درآمدها و امکانات اقتصادی بین مناطق شهری و روستایی.

(ج) توانایی بخش روستایی در تثبیت و تسریع روند پیشرفت در طول زمان.

با برقراری تعادل مناسب بین امکانات اقتصاد شهر و روستا و نیز ایجاد شرایط مطلوب برای مشارکت وسیع مردم در تلاشهایی که برای توسعه ملی صورت می‌گیرد و بهره‌مند شدن از مواهب آن، کشورهای در حال توسعه گام بزرگی در جهت تحقق معنای حقیقی توسعه برخواهند داشت.

انجام تلاش‌هایی برای یکپارچه کردن توسعه شهری و روستایی برای حل هر مشکلی ضروری است. توسعه روستایی و منطقه‌ای هر دو مستلزم شناخت مسایل خاص منطقه و برنامه‌ریزی مکانی و یا منطقه‌ای است. ما به کسانی که حامی قطب‌های رشد هستند ولی چنین می‌پندارند که رخنه به پایین منجر به دگرگونی و تحول نواحی عقب‌مانده یا فرودست (Backward) می‌شود، با دیده تردید می‌نگریم؛ بنابراین اعتقاد داریم توسعه منطقه‌ای و توسعه روستایی باید مشکل فقر و نابرابری‌های منطقه‌ای کیفیت زندگی و سطح فرهنگی اجتماعی را حل نماید.



## برنامه ریزی توسعه روستایی

قسمت اعظم برنامه ریزی توسعه روستایی محدود به سطح منطقه ای و محلی است. در برنامه ریزی ها، باید مناطق جغرافیایی اساس تقسیمات باشد نه مناطقی سیاسی - اداری. همچنین، در تخصیص بودجه به مناطق باید به مسأله مساحت بیشتر توجه داشت تا مسأله جمعیت و محرومیت ها نیز باید مد نظر باشد. اهم موضوع های مورد نظر در برنامه ریزی به شرح زیر است:

### ۱- هماهنگی بین منطقه ای در اولویت های سرمایه گذاری

تعیین اولویتهای بین منطقه ای در تخصیص منابع به عوامل متعدد اقتصادی، جمعیتی، اجتماعی و سیاسی مربوط می شود.

### ۲- برنامه ملی و فضایی

برنامه ای که آرایش و استقرار سراسری انواع مختلف سکونتگاه ها، شبکه های اصلی حمل و نقل و سایر اجزای تشکیل دهنده زیرساخت ملی را تعیین می کند به عنوان مبنای تفصیلی توسعه روستایی در سطوح منطقه ای و محلی نیز انجام وظیفه می کند. البته برای تحقق اهداف اساسی توسعه روستایی باید یک چارچوب روشن و عملی برای برنامه ریزی و اجرا در کار باشد. قواعد معین برای سیاست توسعه روستایی به شرح زیر است:

### ۱- رشد کشاورزی وابسته به عوامل اقتصادی - اجتماعی است

توسعه روستایی زمانی تحقق می یابد که متکی بر رشد اقتصادی و به نوبه خود، وابسته به گسترش مؤثر و سودآور تمام منابع انسانی، زمین و سرمایه به دست مردم روستا باشد. برای بیرون آمدن از زندگی بخور و نمیر، تحوّل کشاورزی امری ضروری است؛ پس رشد اقتصادی به عنوان یک اهرم توسعه روستایی عمل می کند؛ اما باید به عوامل اجتماعی ضروری نیز توجه داشت. (۱۵)



## ۲- نظام پشتیبانی خود پیش‌نیاز توسعه روستایی است

رشد و توسعه بخش کشاورزی متکی به وجود نظام پشتیبانی مناسبی است که علاوه بر تأمین امکاناتی برای کنترل و فرآوری محصولات کشاورزی، خدمات اقتصادی و اجتماعی را نیز در بر بگیرد.

نظام پشتیبانی دارای سه محور اساسی و عمده است.

الف) زیربنای فیزیکی (کالبدی) و امکانات لازم برای عملکرد مناسب آن؛

ب) تطبیق ساختار نهادی با شرایط مناسب محلی؛

ج) فراهم بودن نیروی انسانی ماهر و دارای انگیزه؛

## ۳- سازماندهی به دست کشاورزان و برای کشاورزان

انتقال از کشاورزی سنتی و معیشتی به کشاورزی تجاری با محصولات متنوع باید به طور صحیح سازماندهی شود. بیشتر برنامه‌های توسعه روستایی تعاونی‌ها را مهمترین وسیله برای ایجاد تحول، نوسازی و گسترش نظام پشتیبانی موجود می‌دانند.

## ۴- برای توسعه روستایی، صنعتی شدن امری ضروری است

ورود به بنگاه‌های صنعتی سرمایه‌بر، پدیده نامطلوب دوگانگی را ایجاد کرده است؛ بنابراین، صنعت باید با وضعیت متداول در هر منطقه انطباق یابد و این سه شرط اصلی در آن رعایت گردد.

### ۱- قاعده توازی:

قاعده توازی، سطح تکنولوژیک صنایع مورد نظر را تعیین می‌کند. بنابراین، لازم است سطح تکنولوژیک با سایر بخشها متناسب باشد و علاوه بر شرایط خاص منطقه، باید با وضعیت عمومی اقتصادی نیز رابطه داشته باشد.

### ۲- شرایط سازگاری:

برنامه‌ریزی صنعتی باید با وضعیت سایر بخش‌های اقتصادی منطقه روستایی مورد نظر هماهنگ باشد.

### ۳- شرایط موقعیت مکانی:



استقرار فیزیکی بنگاه‌های صنعتی باید برنامه‌ریزی شده، مرتبط با یکدیگر و هماهنگ با سایر فعالیت‌های غیرصنعتی باشد.

#### ۵- شهرنشینی به عنوان یک عامل پیشبرد توسعه روستایی

«روستا - شهر» به عنوان پایه و اساس فعال کردن نظام پشتیبانی عمل می‌کند. روستا - شهر نظام زراعی با ساخت اقتصادی بسته را به نظامی زراعی با تولید انبوه کالاهای قابل رقابت در بازار تبدیل می‌کند. این نظام پشتیبانی پرسنل حرفه‌ای (معلمی، مهندسی و غیره) را در خود جای می‌دهد و از آنجا که این افراد حاضر به زندگی در روستاها یا مراکز بین روستایی نیستند؛ در نتیجه، به یک مرکز شهری با خدمات و امکانات رفاهی قابل قبول نیاز دارند.

روستا - شهرها می‌توانند ارائه‌کننده شیوه‌های متفاوت فرهنگ و زندگی در حوزه‌های روستایی باشند و روند نوگرایی را سرعت بخشند و فرصت‌های بیشتری در اختیار کشاورز قرار دهند. در روستا - شهر، منبع کار دیگری غیر از کشاورزی پیدا می‌شود و محل مناسبی برای بازار کالا فراهم می‌گردد؛ مثلاً در چین ناحیه «اگروپولیتن» وجود دارد که متکی بر مراکزی است که می‌توان آنها را روستا - شهر نامید. یک ناحیه «اگروپولیتن» با جمعیت ناحیه‌ای معادل ۱۵۰۰۰۰ نفر و یک شهرک منطقه‌ای با جمعیت بین ده تا بیست و پنج هزار نفر به عنوان مرکز ناحیه‌ای برای صنایع منطقه‌ای خدمات سطح بالا و فعالیت‌های تجاری که داد و ستد را هم شامل می‌شود، بهترین الگوی توسعه روستایی در چین بوده است. (۱۶)

#### ۶- توسعه همه جانبه منطقه‌ای و روستایی

براساس تعریف ما، توسعه همه جانبه روستایی چنین تعریف می‌شود: روشی که برای اجرای هم‌زمان فعالیت‌های مربوط به برنامه‌ریزی چندمنظوره به کار گرفته می‌شود. این فعالیت‌ها در هر دو سطح کلان و خرد صورت می‌پذیرد و بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات را دربر می‌گیرد و ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فضایی و سازمان‌دهی فرآیند توسعه را شامل می‌گردد.



## ۱-۶- هماهنگی بین بالا و پایین:

مفاهیم توسعه و روش‌های برنامه‌ریزی که طی سه دهه اخیر در کشورهای در حال توسعه به کار گرفته می‌شود، اغلب از نوع برنامه‌ریزی کلان یا روش بالا به پایین بود که روشی شکست خورده بود و سیاستگذاران را به رد کامل آنها برانگیخت و در عوض، آنان را وادار کرد تا به برنامه‌ریزی خرد و یا روش پایین به بالا روی آورند.

در کشورهای در حال توسعه و جهان سوم، تحولات ساختاری مهم و حساس با انتقال قدرت تصمیم‌گیری به فقرا از طریق آغاز یک فرآیند پایین به بالا صورت می‌گیرد. در این فرآیند، روستا نقطه کانونی توسعه محسوب می‌گردد و نظام آموزشی به منظور اصلاح مسیر آن در جهت افزودن آگاهی توده‌ها و شکل‌گیری مجدد برگزیدگان و نخبگان تغییر می‌کند. برنامه‌ریزی منطقه‌ای باید با سیاست سراسری ملی برای توسعه هماهنگ باشد.

## ۲-۶- یکپارچگی میان بخشی:

در برنامه‌ریزی توسعه باید میان هریک از بخشهای اقتصادی (کشاورزی، صنعت و خدمات) با زیربخش‌های مربوط، یکپارچگی وجود داشته باشد. این امر در برنامه‌ریزی یکپارچه موجب ایجاد اشتغال می‌شود.

## ۳-۶- روابط متقابل چهارجنبه اصلی:

برنامه‌ریزی همه جانبه عبارت است از توانایی برخورد هم‌زمان با چهار جنبه اصلی توسعه، یعنی جنبه‌های اقتصادی - اجتماعی، فضایی و سازماندهی.

## ۴-۶- توجه به نظارت در پروژه‌های توسعه روستایی:

نظارت برآیندی از سنجش، ضبط، گردآوری، پردازش و رساندن اطلاعات برای کمک به تصمیم‌گیری مدیریت پروژه است.

در ارتباط با کشاورزی، امر نظارت بیشتر بر کارکرد، بازده عملی و تأثیر پروژه‌ها تأکید



## نتیجه

کشورهای جهان سوم باید الگوهای مختلف را با توجه به شرایط و ساختار فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و امکانات و ظرفیتهای ملی خود برگزینند. طبیعی است که امکانات مادی، کشاورزی، منابع معدنی و طبیعی، ذخایر آب، حجم و تراکم جمعیت و نظایر اینها هرکدام نقشی اساسی در انتخاب الگو دارند. تعیین الگوی توسعه بدون توجه به این مسایل یکی از دلایل اصلی شکست این الگوها در جهان سوم بوده است. باید مسایل و مشکلات را شناخت؛ بعد عناصر توسعه همه جانبه را پیشنهاد نمود و قوانین را عملی ساخت تا برنامه‌ریزی همه جانبه اجرا گردد. باید در برنامه‌ریزی‌ها، اساس منطقه‌بندی، مناطق جغرافیایی باشد نه مناطق سیاسی - اداری. اختصاص بودجه باید براساس محرومیت و مناطق جغرافیایی از لحاظ مساحت صورت گیرد نه براساس جمعیت و سرانجام، در این مناطق باید به کمکهای بلاعوض و عامل مشارکت مردمی توجه کافی نمود.



### منابع

- ۱- دیوید، ام لی و پی جوردی: «ماهیت مسایل و ره‌یافت‌های توسعه روستایی»، ترجمه سعید ذکائی، مجله روستا و توسعه، شماره سوم، تهران، بهمن ۱۳۷۰، ص ۵۵.
- ۲- همان، ص ۵۷.
- 3- *World Band: 1975, P.3.*
- ۴- دیوید، ام‌لی و پی‌جوردی: همان‌جا، ص ۵۹.
- 5- *Misra, R.P and R.N, Achyuth: Micro Level Rural Planning, Chapman & Hall, Dehli, 1990, P.12*
- 6- *Ibid, P, 64.*
- ۷- تودارو، مایکل: توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرهادی، چاپ دوم، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۶۶، ص ۴۵۲.
- ۸- همان، ص ۴۵۴.
- 9- *Ozsabuncuoglu, 1: The Cosequences of Integrated Regional Development Policies in Turkey, Twpr, Vol 20, No 3, 1999. PP329-322.*
- ۱۰- مسیرا، آر. پی: «برداشتی نواز مسایل توسعه»، گزیده مسایل اقتصادی - اجتماعی، شماره ۴۶، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران، آبان ۱۳۶۶، ص ۲.
- ۱۱- هاک، ام. وی: «تحلیلی از مسایل اساسی صنعتی کردن و توسعه روستایی»، مجله روستا و توسعه، شماره ۲، تهران، فروردین ۱۳۶۸، ص ۶۲.
- ۱۲- همان، ص ۷۳.
- ۱۳- اسکینی، جورج، اچ: راهنمای ره‌یافت‌های گوناگون ترویج، سلسله انتشارات روستا و توسعه، شماره ۳، تهران، ۱۳۷۰، ص ۲۱.
- ۱۴- همان‌جا.
- ۱۵- مشیری، سعید: تجربه قیمت‌گذاری و نتایج اقتصادی آن در ایران، برنامه و توسعه، شماره ۱، تهران، تابستان ۱۳۶۶، ص ۱۲۵.
- ۱۶- وتیز، آر: «اهداف و راهبردهای توسعه روستایی»، مجله روستا و توسعه، ترجمه علی‌اکبر، شماره ۱، تهران، ۱۳۶۶، صص ۵۱-۵۲.
- ۱۷- همان، صص ۵۶-۵۵.
- ۱۸- کلیتون، ای. پتری: «نظام‌های نظارت بر پروژه‌های توسعه کشاورزی و روستایی»؛ ترجمه قدرت‌الله معمارزاده، سلسله انتشارات روستا و توسعه، شماره ۶، تهران، ۱۳۷۱، صص ۱۳-۱۲.





## **The Strategies of Rural Development In Third World Countries**

*Ziari, Keramatollah, Ph.D.*

### **Abstract**

*This article investigates the strategies of rural development in the third world. The method of the research is descriptive - analytical. The aim of rural development is to apply certain strategies for the betterment of rural economic and social life. The development of rural areas not only depends on the farming devices, but on different perspectives of land, society and rural economy involved. Different strategies of rural development include technocratic, reformational, and radical ones. They rest on the discipline of open-market. The most important factors affecting the rural development are land reforms, technological educational research, diffusion, employment established, rural institutions, industrialization, price policy, circular relation with different supporting economic and all sections and harmonious development policies. Undoubtedly, any rural development planning should take place with regard to the strategies mentioned above along with natural, economic and cultural conditions of the countries involved.*

